



توسعه زنجیره ارزش جهانی GVCs



معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه کننده: مهسا رجبی نژاد

ناظر: عاطفه قاسمیان

واحد گردآوری و تحلیل آمارهای اقتصادی

معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۰

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

economic.tccim@gmail.com

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCs) در حال تغییرات اساسی هستند که دلیل اصلی این تحولات، حرکت فزاینده از سمت فرآیندهای تولید سنتی به سمت خدمات و سایر دارایی‌های نامشهود است. دیجیتالی‌شدن عاملی پیشرو در این دگرگونی بوده که با همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ بر سرعت آن افزوده شده است.

گزارش اخیر سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که چگونه افزایش زنجیره‌های ارزش خدمات، مسیر جدیدی را به سوی توسعه گشوده و چگونه حمایت‌گرایی و تنش‌های ژئوپلیتیکی، خطرات زیست‌محیطی و بیماری‌های همه‌گیر، ثبات زنجیره‌های ارزش جهانی را تضعیف و به لحاظ جغرافیایی سازماندهی مجدد کرده است.

بر اساس این گزارش روند نرخ مشارکت کشورها در زنجیره ارزش جهانی مبتنی بر دو رویکرد تجارت محور و تولید محور بررسی و مقایسه شده است. اگرچه همه‌گیری کووید-۱۹ بر مشارکت زنجیره‌های ارزش جهانی تأثیر گذاشته است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ مشارکت همچنان با روند کلی که از سال ۲۰۱۰ مشاهده شده، مطابقت دارد. شایان ذکر است در سال ۲۰۲۰، نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت ۴۴.۴ درصد و نرخ مشارکت مبتنی بر تولید ۱۲.۱ درصد بوده است.

صادرات غیرمستقیم جهان به ویژه اقتصادهای در حال توسعه طی دو دهه اخیر افزایش قابل توجهی داشته و سهم این بخش از محتوی کالای صادراتی که مبتنی بر واردات از سایر کشورها است، از ۴۰.۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۵.۷ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته که شاهدهی بر تقویت مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و منافع آنهاست.



- یکپارچگی تجاری در جهان با سرعت یکسانی حرکت نمی‌کند. در حالی که مشارکت زنجیره ارزش جهانی توسط محرک‌های قبلی یکپارچه‌سازی، مانند چین، در حال کاهش است، بخش‌هایی از زنجیره‌های ارزش جهانی عامل محرکی برای رشد در سایر اقتصادها، از جمله بنگلادش (نساجی) و ویتنام (برق) هستند.
- از آنجایی که عملکرد زنجیره‌های ارزش جهانی معمولاً در قالب صادرات سنجش و ارزیابی می‌شود، فروش داخلی بنگاه‌های چندملیتی از طریق بنگاه‌های وابسته محلی آنها به عنوان یک فعالیت غیر زنجیره ارزش جهانی تلقی می‌شود در حالی که داده‌های آورده نشده در ارزیابی زنجیره، آماری مهم و قابل توجه هستند.
- زنجیره‌های ارزش جهانی مدل جدیدی از صادرات خدمات دارایی‌های نامشهود ارائه می‌کنند و تولیدکنندگان بدون کارخانه گروه عمده‌ای از بازیگران هستند که فعالانه در این نوع تجارت شرکت می‌کنند.
- آمارهای متعارف تجارت، صادرات خدمات دارایی‌های نامشهود از طریق زنجیره ارزش جهانی را نشان نمی‌دهد. بنابراین این آمارها، صادرات واقعی اقتصادهای توسعه یافته را دست کم گرفته و وضعیت تراز تجاری بین آنها و اقتصادهای در حال توسعه را مخدوش می‌کند. یکی از مصادیق این موضوع مازاد تراز تجاری چین و امریکاست که در صورت احتساب صادرات خدمات دارایی‌های نامشهود، مازاد مزبور حدود ۳۲ درصد کاهش می‌یابد.
- بنگاه‌ها در اقتصادهای در حال توسعه ممکن است نتوانند از دسترسی با واسطه زنجیره‌های ارزش جهانی به تحقیق و توسعه خارجی به دلیل ظرفیت جذب پایین و ماهیت بسیار تخصصی این دانش، بهره‌مند شوند.
- ایجاد شغل در اقتصادهای در حال توسعه، ممکن است از طریق تخصصی شدن در فعالیت‌های مونتاژ در امتداد زنجیره‌های ارزش جهانی، سودمندتر از انتخاب هدف دست‌یابی به مراحل تولید پیچیده باشد.

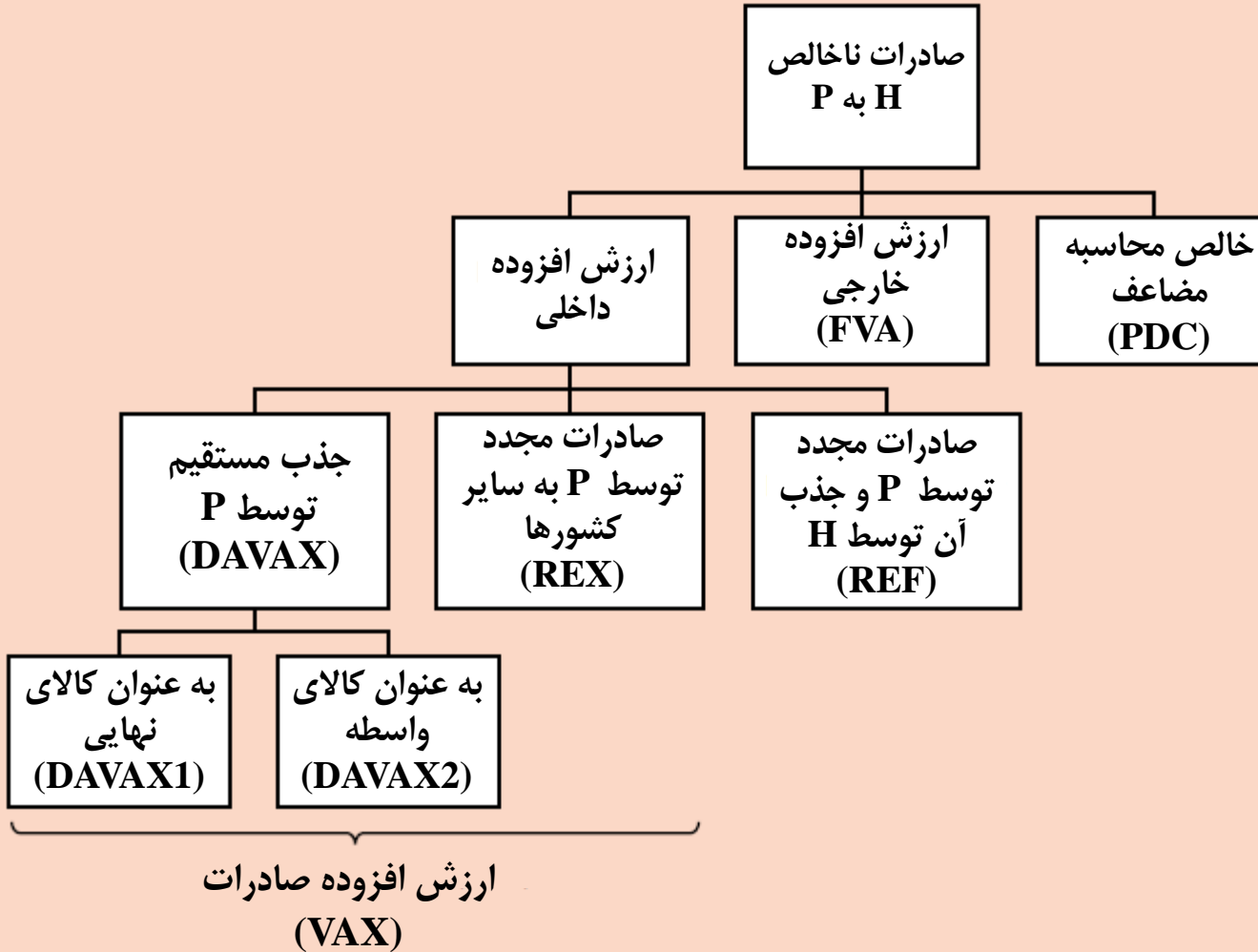


- اقتصادهایی که به تازگی وارد زنجیره‌های ارزش جهانی شده‌اند، می‌توانند با تامین ماژول‌های فناوری اصلی (یا کسب دانش فنی ساخت آن‌ها) از طریق بنگاه‌های چندملیتی خارجی و متخصص شدن در تولیدات با ارزش افزوده بالاتر، مانند بازاریابی برند، در امتداد زنجیره‌های ارزش ارتقا پیدا کنند.
- افزایش خدمات زنجیره‌های ارزش جهانی، مسیر جدیدی را برای توسعه ارائه می‌دهد که می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت و مشاغلی با درآمد خوب ایجاد کند.
- برای حمایت از ادغام در خدمات زنجیره‌های ارزش جهانی، سیاست‌گذاران باید موانعی را که بر سر راه پیشرفت تحصیلی وجود دارد، برطرف کنند، زیرا خدمات زنجیره‌های ارزش جهانی بیشتر از سرمایه فیزیکی، به سرمایه انسانی بستگی دارد.
- ترکیب مخاطرات ژئوپلیتیکی، زیست‌محیطی، کووید-۱۹ و سایبری، انگیزه‌های قوی برای افزایش سرمایه‌گذاری در تقویت تاب‌آوری زنجیره‌های ارزش جهانی، به‌ویژه از طریق دیجیتالی‌سازی و اتوماسیون هستند.
- کاهش متا ریسک‌های^۱ زنجیره‌های ارزش جهانی، مستلزم راهبردهای برون‌گرایی بوده که از نظر زیست محیطی پایدار و بازار محور باشند و به حمایت از نیروی کار، چندجانبه گرایی، مبادله صلح آمیز، عدم تبعیض، عمل متقابل و شفافیت متعهد شوند.
- پلتفرم‌های دیجیتال در حال تغییر مشارکت‌کنندگان در زنجیره‌های ارزش جهانی از طریق افزایش ماژول‌سازی و کاهش هزینه‌های ارتباطی، ورود بازیگران جدید از اقتصادهای در حال توسعه و حمایت از مشارکت بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط در زنجیره‌های ارزش جهانی، هستند.
- پلتفرم‌های دیجیتال چالش‌های نظارتی را به‌ویژه از حیث گرایش آنها به سمت کسب قدرت و یکپارچگی ایجاد می‌کنند. این چالش‌ها می‌توانند دسترسی بازیگران کوچکتر به منافع بهره‌برداری از اقتصاد دیجیتال را کاهش دهد.

^۱ متا ریسک‌ها ریسک‌های ضمنی کیفی هستند که فراتر از محدوده ریسک‌های مالی آشکار عبور می‌کنند.

نرخ‌های مشارکت زنجیره ارزش جهانی

تجزیه صادرات ناخالص کشور H به شریک تجاری کشور P

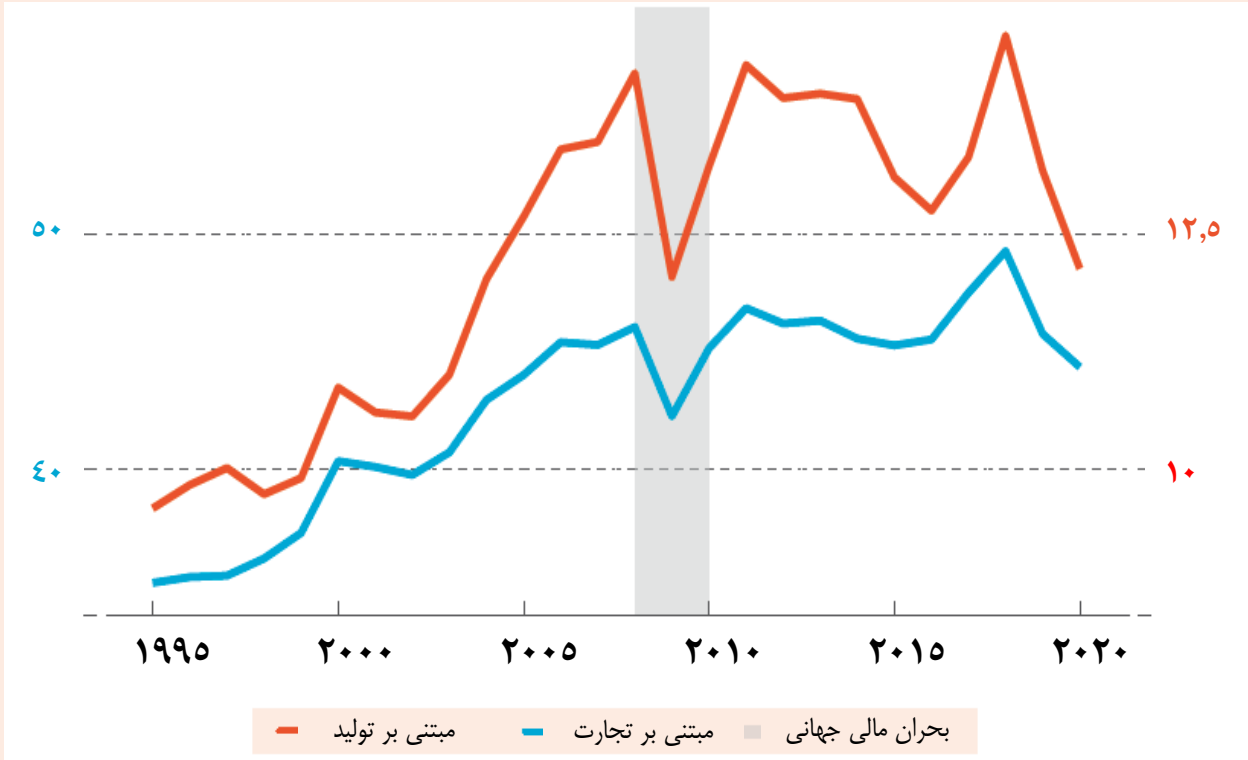


معمولا داده‌های آمارهای تجاری برای مطالعه زنجیره‌های ارزش جهانی کافی نیستند زیرا ارقام به شکل ناخالص ارائه می‌شوند در حالی که در بررسی GVC، نیاز به بررسی جریان‌ها در قالب ارزش افزوده نیز هست. در سال ۲۰۱۴ گروهی از محققان چارچوبی را برای بررسی جامع صادرات ناخالص دوجانبه با استفاده از جداول داده-ستانده و بر مبنای ارزش افزوده ارائه کردند که در شکل مقابل نشان داده شده است.

با استفاده از چارچوب مزبور، نرخ مشارکت زنجیره ارزش جهانی که مشخص‌کننده میزان مشارکت یک اقتصاد در زنجیره‌های ارزش جهانی است، قابل اندازه‌گیری است. بر اساس دو مطالعه مستقل، دو رویکرد مبتنی بر تجارت، و مبتنی بر تولید برای تعیین نرخ مشارکت GVC مشخص شده و قابل بهره‌برداری است. در رویکرد مبتنی بر تجارت، سهم تجارت غیرمستقیم (مجموع $REF + REX + PDC$) از صادرات ناخالص ملاک قرار می‌گیرد که در آن علاوه بر ارزش افزوده خارجی، صادرات مجدد (هم از شریک تجاری به سایر کشورها و هم از شریک تجاری به کشور میزبان) و خالص محاسبه مضاعف نیز محاسبه می‌شود.

در همین حال، در رویکرد مبتنی بر تولید، سهم صادرات کالای واسطه‌ای ارزش افزوده داخلی (مجموع $REF + REX + DAVAX2$) از کل ارزش افزوده داخلی، محاسبه می‌شود که در واقع قسمتی از تولید ناخالص داخلی و متعلق به صادرات محصولات واسطه‌ای است. در واقع در رویکرد مبتنی بر تولید، علاوه بر اینکه صادرات مجدد (هم از شریک تجاری به سایر کشورها و هم از شریک تجاری به کشور میزبان) در نظر گرفته می‌شود، کالای مورد نظر که به عنوان کالای واسطه در فرآیند تولید و از طریق شریک تجاری دریافت شده نیز در محاسبات آورده می‌شود.

نرخ های مشارکت زنجیره ارزش جهانی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ (درصد)



طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸، گسترش سریع زنجیره‌های ارزش جهانی منجر به افزایش همزمان هر دو نرخ مشارکت مبتنی بر تولید (از ۹.۶ درصد به ۱۴.۲ درصد) و مشارکت مبتنی بر تجارت (از ۳۵.۲ درصد به ۴۶.۱ درصد) شد.

پس از بحران مالی جهانی، بازسازی زنجیره تامین باعث کاهش شدید اما موقتی در هر دو نرخ مشارکت مزبور شد که تا سال ۲۰۱۰ به حالت قبل از بحران مالی بازگشت. از آن زمان تا کنون، نرخ‌های مشارکت مبتنی بر تولید و مبتنی بر تجارت، تقریباً در همان سطوح باقی مانده‌اند.

اگرچه همه‌گیری کووید-۱۹ بر مشارکت زنجیره‌های ارزش جهانی تأثیر گذاشته است، نمودار روبرو نشان می‌دهد که نرخ مشارکت همچنان با روند کلی که از سال ۲۰۱۰ مشاهده شده، مطابقت دارد. شایان ذکر است در سال ۲۰۲۰، نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت ۴۴.۴ درصد و نرخ مشارکت مبتنی بر تولید ۱۲.۱ درصد بوده است.

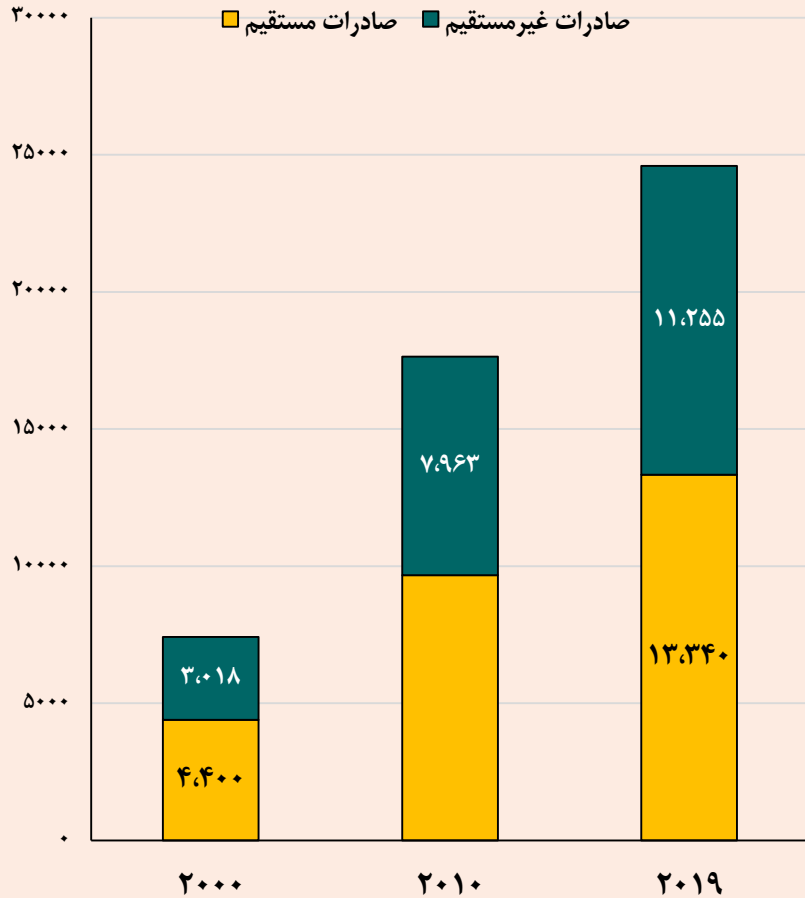


- صادرات ناخالص کشورها به دو قسمت صادرات **مستقیم** و صادرات **غیر مستقیم** تقسیم می‌شود. صادرات مستقیم بخشی از محتوی کالای صادراتی است که در داخل یک اقتصاد تولید می‌شود در حالی که صادرات غیرمستقیم بخش دیگری از محتوی همان کالای صادراتی است که از محل واردات از سایر کشورها تامین شده و منشا خارجی دارد. تجارت غیرمستقیم یا صادرات غیرمستقیم به نوعی معرف نرخ مشارکت در زنجیره ارزش جهانی نیز هست.
- بررسی آمار تجارت کالایی جهان طی دو دهه اخیر، نشان می‌دهد که سهم صادرات غیرمستقیم از کل صادرات ناخالص افزایش یافته به نحوی که از حدود ۴۰,۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۵,۱ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده و متوسط رشد سالانه صادرات غیرمستقیم طی دهه ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰ حدود ۹,۷ درصد بوده که از رقم متناظر برای رشد کل صادرات ناخالص یعنی ۸,۷ درصد بالاتر است. در سال ۲۰۱۸ صادرات غیرمستقیم جهانی (معیاری از نرخ مشارکت زنجیره ارزش جهانی) به بالاترین رقم خود یعنی ۱۳,۶ تریلیون دلار رسید.
- طی بازه زمانی ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۰، متوسط رشد سالانه صادرات غیرمستقیم در برخی از اقتصادهای در حال توسعه از جمله چین و ویتنام، دورقمی و به ترتیب برابر با ۲۰ درصد و ۱۹,۸ درصد بوده که دلیل اصلی آن اتخاذ استراتژی‌های باز در حوزه تجارت در این گروه از اقتصادها عنوان شده است.
- افزایش مشارکت اقتصادهای توسعه یافته در زنجیره‌های ارزش جهانی طی دهه ۲۰۰۰ نیز اتفاق افتاد. از جمله شواهد مهم این موضوع اقتصاد آلمان است. متوسط رشد سالانه صادرات غیرمستقیم آلمان طی دهه نخست ۲۰۰۰ حدود ۹,۸ درصد و طی دوره بعدی (۲۰۱۰ الی ۲۰۱۹) حدود ۴,۵ درصد بوده که از ارقام متناظر میانگین جهان بالاتر است.
- روند مزبور طی بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۹ هم البته با سرعتی کمتر، استمرار داشته است. سهم صادرات غیرمستقیم از کل صادرات در سال ۲۰۱۹ به حدود ۴۶ درصد رسید و متوسط رشد سالانه صادرات غیرمستقیم در این بازه حدود ۳,۸ درصد بود که ۰,۱ واحد درصد از رشد صادرات در همین بازه بیشتر است.
- نمودارهای اسلاید بعد، روند افزایش مشارکت در زنجیره ارزش جهانی در قالب صادرات غیرمستقیم را برای جهان و کشورهای چین، ویتنام، آلمان و امریکا نشان داده است.

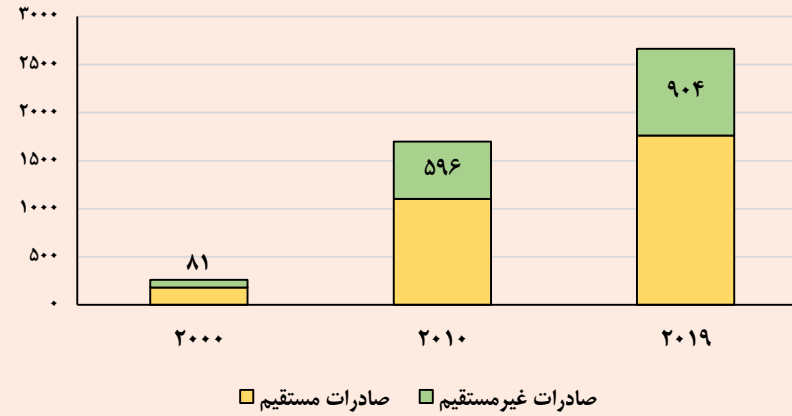
صادرات غیر مستقیم – اقتصادهای منتخب



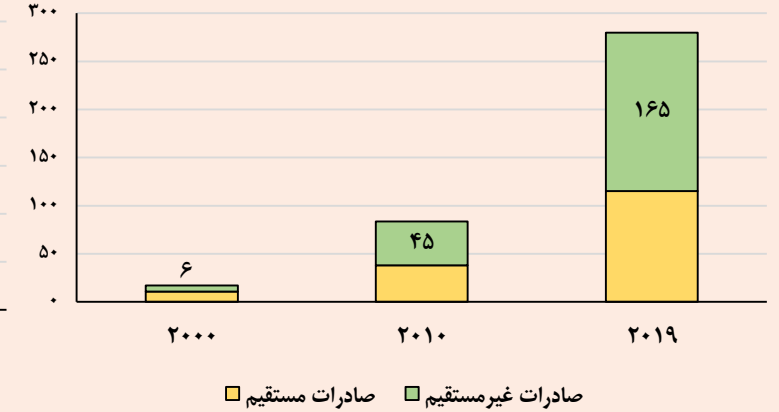
صادرات ناخالص جهان طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹
میلیارد دلار



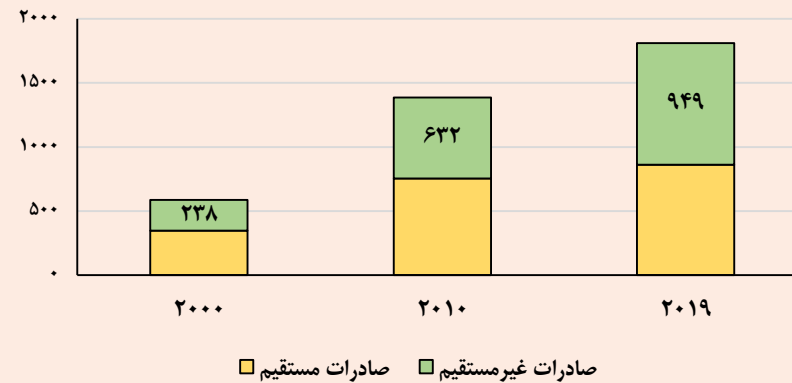
صادرات ناخالص چین طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹
میلیارد دلار



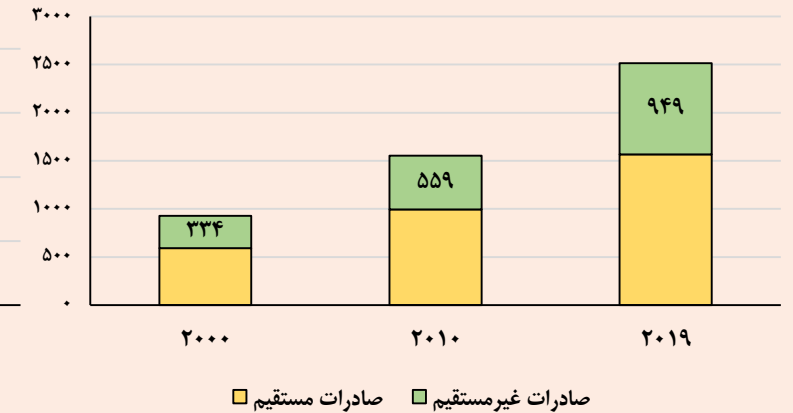
صادرات ناخالص ویتنام طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹
میلیارد دلار



صادرات ناخالص آلمان طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹
میلیارد دلار

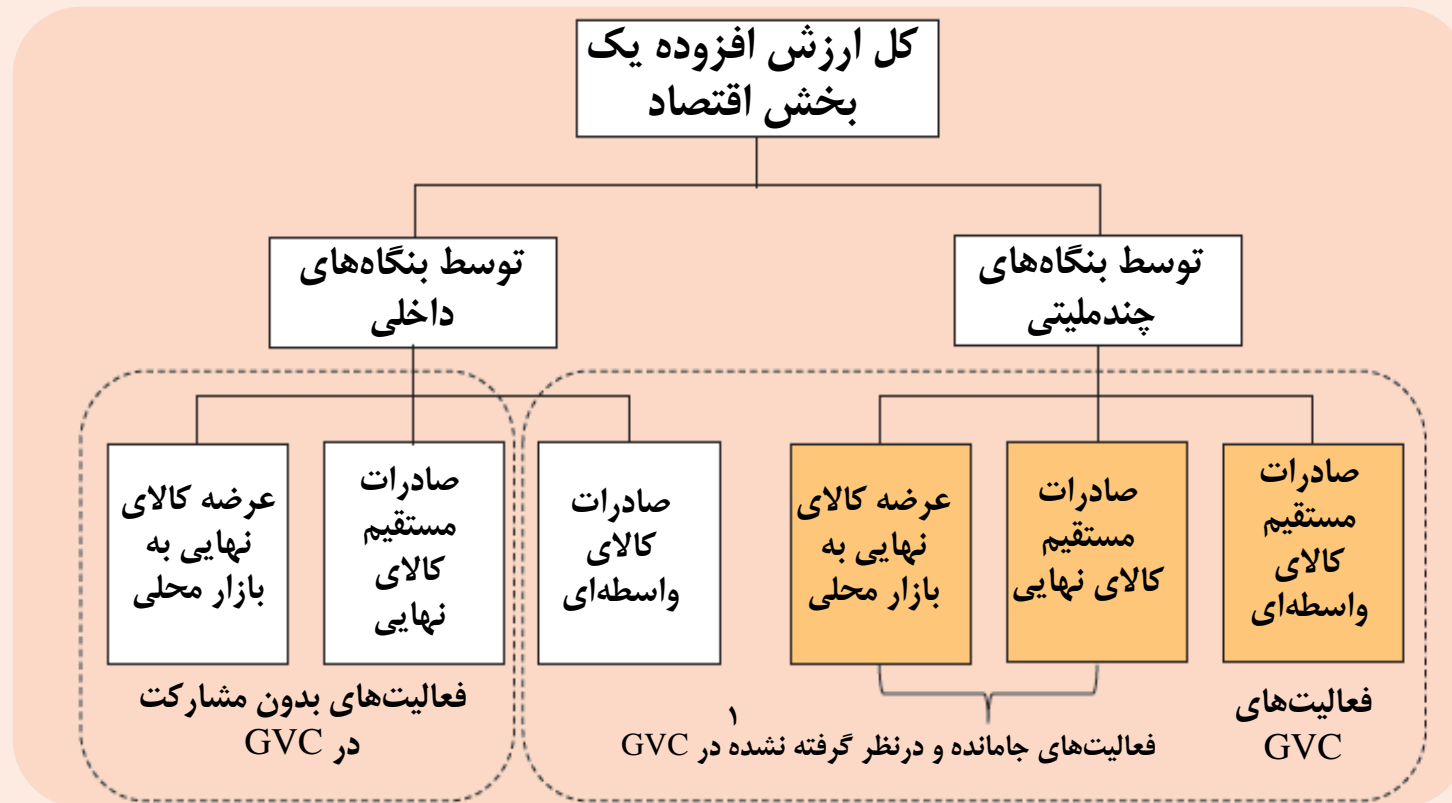


صادرات ناخالص امریکا طی سالهای ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹
میلیارد دلار



حسابداری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زنجیره‌های ارزش جهانی

چارچوب‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های زنجیره ارزش جهانی با استفاده از جداول داده-ستانده بین کشوری، نتایج را کمتر از آنچه در حقیقت وجود دارد نشان می‌دهند، زیرا نمی‌توانند نقش بنگاه‌های چندملیتی و بنگاه‌های وابسته خارجی آن‌ها را به خوبی نمایش دهند. این امر به‌ویژه در مواردی مشهود است که بنگاه‌های محلی وابسته به بنگاه‌های چند ملیتی، در مقایسه با بنگاه‌های صرفاً محلی به شیوه‌ای متفاوت در زنجیره‌های ارزش جهانی شرکت می‌کنند. شکل زیر درجات گوناگون مشارکت زنجیره‌های ارزش جهانی را توسط بخش‌های اقتصادی تعیین می‌کند، در حالی که نقش وابستگان بنگاه‌های چندملیتی خارجی در تولید ارزش افزوده را نیز در نظر می‌گیرد.





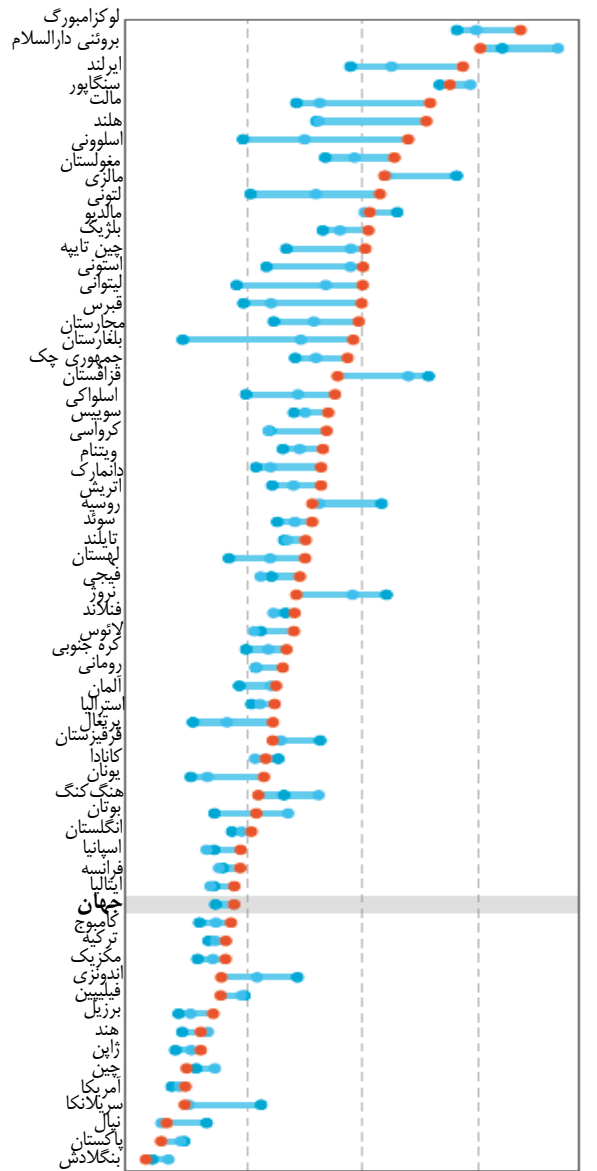
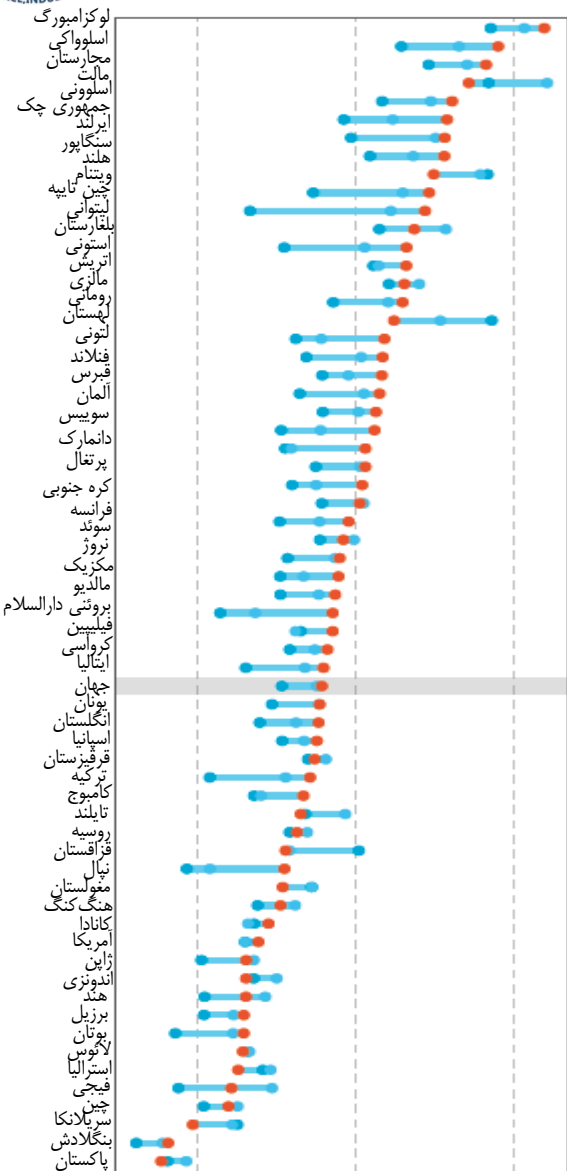
نرخ‌های مشارکت زنجیره ارزش جهانی

نرخ‌های مشارکت زنجیره ارزش جهانی به تفکیک اقتصادها

برمبنای تجارت

برمبنای تولید

● ۲۰۰۰ ● ۲۰۱۰ ● ۲۰۱۹



نمودارهای روبرو نرخ مشارکت زنجیره ارزش جهانی را برای اقتصادهای منتخب در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. برای هر دو نسبت تقریباً همه اقتصادها شاهد افزایش مشارکت از سال ۲۰۰۰ (نقاط آبی تیره) تا ۲۰۱۹ (نقاط قرمز) بوده‌اند.

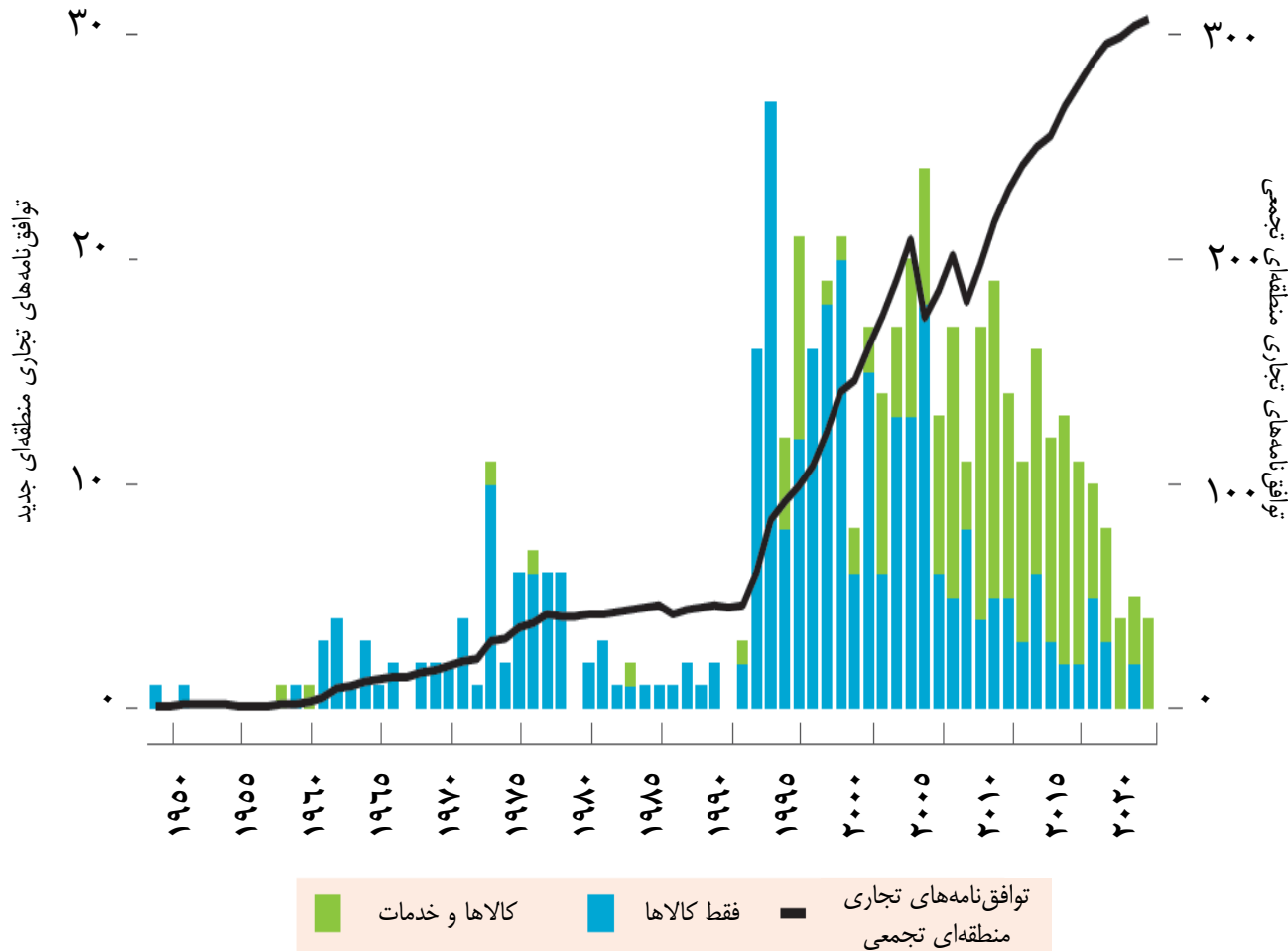
چین و ایالات متحده، اگرچه در میان بازیگران برتر زنجیره ارزش جهانی هستند، نرخ مشارکت آنها به طور قابل توجهی کمتر از میانگین جهانی است. به ویژه، چین شاهد کاهش نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت از ۳۵.۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۳.۹ درصد در سال ۲۰۱۹ و کاهش نرخ مشارکت مبتنی بر تولید از ۱۰.۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۷ درصد در سال ۲۰۱۹ بوده است. با این حال، بازیگران اروپایی در زنجیره تامین فرامرزی یکپارچه‌تر شده‌اند. نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت برای آلمان، بزرگ‌ترین تاجر غیرمستقیم جهان تا سال ۲۰۱۹، از ۴۵.۶ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۵۲.۴ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت، اگرچه نرخ مبتنی بر تولید آن به میزان ملایم‌تری از ۱۸.۰ درصد به ۱۸.۷ درصد رسیده است.

علی‌رغم کاهش نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت اندونزی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با نرخی ملایم، نرخ مشارکت مبتنی بر تولید این اقتصاد در همین بازه زمانی با سرعت قابل توجهی از ۲۱.۵ درصد به ۱۱.۵ درصد کاهش یافته که به معنای رشد اقتصادی داخلی همراه با یک بخش زنجیره ارزش جهانی نسبتاً راکد است.

برونئی دارالسلام نیز در سال ۲۰۱۹ دارای بالاترین نرخ مشارکت مبتنی بر تولید بوده (دومین اقتصاد از ۶۲ اقتصاد در نمودار روبرو)، اما نرخ مشارکت مبتنی بر تجارت آن در سال ۲۰۱۹، در حد متوسط بوده است (۳۳مین اقتصاد از ۶۲ اقتصاد مورد بررسی). دلیل اصلی این اتفاق سهم بالای تجارت در اقتصاد این کشور با تمرکز بالا بر نفت، با وجود عدم حضور بخش عمده‌ای از آن در زنجیره ارزش جهانی بوده است.

توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای

تعداد توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۲۰



بر اساس داده‌های سازمان تجارت جهانی، بیش از ۳۰۰ توافق‌نامه تجاری منطقه‌ای در سال ۲۰۲۰ اجرا شده که بزرگترین آن، مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است و ۱۵ اقتصاد در آسیا و اقیانوسیه را شامل می‌شود. در حالی که تعداد توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای جدید در سال‌های اخیر کم شده، اما همچنان بالاتر از ارقام مشابه تا قبل از سال ۱۹۹۰ هستند، که نقطه عطفی برای افزایش شدید این توافق‌نامه‌ها به حساب می‌آید. علاوه بر این، برآورد شده که تعداد توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در سال ۲۰۲۱ بیشتر افزایش یافته باشد زیرا انگلستان پس از برگزیت به دنبال معاملات تجاری جدیدی برای این اقتصاد است. شایان ذکر است از سال ۲۰۰۸ سهم توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای که صرفاً درخصوص کالاها باشند، کاهش و در مقابل سهم توافق‌نامه‌های تجاری که هردو کالا و خدمات را شامل می‌شوند، افزایش یافته است.

1 (The Regional Comprehensive Economic Partnership)

توافق‌نامه‌های تجاری بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای

مطابق جدول زیر، توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در منطقه آسیا و اقیانوسیه (کشورهای شرق آسیا، جنوب شرقی آسیا، اقیانوسیه و جزایر اقیانوس آرام) از سایر مناطق بیشتر بوده است. اقتصادهای این منطقه به طور کلی در سال ۲۰۲۰، تعداد ۴۲ توافق‌نامه تجاری منطقه‌ای میان خود و ده‌ها توافق دیگر با سایر مناطق منعقد کرده‌اند. این امر به دلیل وجود اقتصادهای تجارت‌محور متعدد در این منطقه، از اقتصادهای بزرگ، مانند ژاپن و چین، تا اقتصادهای کوچکتر نوظهور آسیای جنوب شرقی است. با این حال، سه اقتصاد بزرگ آمریکای شمالی فقط یک توافق‌نامه تجاری درون منطقه‌ای دارند، اگرچه با همسایگان آمریکای جنوبی خود دارای ۲۸ توافق‌نامه تجاری منطقه‌ای هستند. اروپا، پیشرو اصلی یکپارچگی منطقه‌ای نیز، دارای ۳۱ توافق‌نامه درون منطقه‌ای است. شایان ذکر است در این گزارش کشور ترکیه زیرمجموعه کشورهای آسیای مرکزی قرار گرفته که اگر این کشور در منطقه اروپا قرار گیرد تعداد توافق‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای اروپا را از ۳۱ به ۳۸ می‌رساند. همچنین اگر هر دو کشور ترکیه و روسیه به جای قرار گرفتن در منطقه آسیای مرکزی در اروپا قرار گیرند، توافق‌نامه‌های تجاری منطقه آسیای مرکزی از ۲۹ به ۲۰ کاهش خواهد یافت. به طور جدی‌تر، اگر مکزیک به جای آمریکای شمالی، در آمریکای جنوبی محاسبه شود، توافق‌نامه‌های تجاری بین منطقه‌ای بین آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی از ۲۸ به ۱۴ نصف می‌شود. با در نظر گرفتن این ملاحظات، قوی‌ترین جفت منطقه‌ای یکپارچه، آسیا و اقیانوسیه-آمریکای جنوبی است که دارای ۲۶ توافق‌نامه تجاری بین منطقه‌ای هستند.

تعداد توافق‌نامه‌های تجاری بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای در سال ۲۰۲۰

| منطقه | آسیا و اقیانوسیه | جنوب آسیا | آسیای مرکزی | خاورمیانه و شمال آفریقا | آفریقای سیاه | اروپا | آمریکای شمالی | آمریکای جنوبی |
|-------------------------|------------------|-----------|-------------|-------------------------|--------------|-------|---------------|---------------|
| آسیا و اقیانوسیه | ۴۲ | | | | | | | |
| جنوب آسیا | ۱۲ | ۷ | | | | | | |
| آسیای مرکزی | ۷ | ۲ | ۱۵ | | | | | |
| خاورمیانه و شمال آفریقا | ۳ | ۳ | ۹ | ۲ | | | | |
| آفریقای سیاه | ۱ | ۱ | ۲ | ۴۲ | ۶ | | | |
| اروپا | ۱۳ | ۱ | ۲۹ | ۱۹ | ۷ | ۳۱ | | |
| آمریکای شمالی | ۸ | ۲ | ۱ | ۱۰ | ۱ | ۶ | ۱ | |
| آمریکای جنوبی | ۲۶ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۹ | ۲۸ | ۲۶ |